

تحلیل اقتصادی - فقهی انتقال سود خالص از سرمایه به نیروی کار

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۴/۲۳ تاریخ تأیید: ۱۳۹۳/۱۰/۱۸

احمدعلی یوسفی *

چکیده

بنگاه‌های تولیدی پس از کسر تمام هزینه‌ها اعم از هزینه حسابداری و فرصت، به‌طور معمول با سود خالص اقتصادی روبه‌رو می‌شوند. بر اساس مبانی اقتصاد سرمایه‌داری و روابط شکل‌گرفته در آن نظام، چنین سودی متعلق به عامل سرمایه و صاحب آن است. تعلق سود خالص اقتصادی به سرمایه و پرداخت دستمزد ثابت حداقلی به نیروی کار ماهر، نیمه ماهر و ساده، باعث تمرکز شدید ثروت و درآمدهای جامعه در دست افراد اندکی شده است. آمارها حاکی است که هر روز بر شدت شکاف ثروت و درآمد افزوده می‌شود. پایداری رشد شکاف ثروت و درآمدی باعث پایداری فقر در جوامع می‌شود؛ به همین جهت تمام نظام‌های اقتصادی درباره این نوع سود اظهارنظر کرده و می‌کوشند آن را در روابط اقتصادی، تعدیل، منتقل یا حذف کنند. نظام سرمایه‌داری الگوی بازار رقابت کامل را برای حذف سود خالص متعلق به سرمایه پیشنهاد می‌کند؛ اما از آنجایی که وقوع شرایط بازار رقابت کامل فقط یک آرمان بوده و دست‌یافتنی نیست؛ بنابراین کامیاب نبوده است. نظام سوسیالیسم راه‌حل حذف سود خالص اقتصادی متعلق به سرمایه را الغای مالکیت خصوصی و نفی اصل سود از روابط اقتصادی می‌داند. نتیجه آن نیز فقر عمومی و گسترده بوده است. تحقیق پیش رو مناسب‌ترین الگو برای حل این مشکل را الگوی اقتصاد تعاونی تلفیقی می‌داند. این الگو ضمن تعیین پاداش مناسب برای سرمایه، سود خالص اقتصادی را به نیروی‌های کار ماهر، نیمه ماهر و ساده به میزان نقشی که در تولید آن دارند، منتقل می‌کند. به این وسیله، توزیع ثروت و درآمد به گونه‌ای اتفاق می‌افتد که شکاف درآمدی و ثروت تعدیل می‌شود و رفاه مطلوب تأمین می‌شود و فقر کنترل و کاهش می‌یابد؛ بنابراین تحقیق پیش رو با روش توصیفی تحلیلی این الگوها را بررسی و با تبیین تعاونی تلفیقی بر اساس آموزه‌های اسلامی نشان می‌دهد که این نوع تعاونی به انتقال سود خالص اقتصادی به عامل کار کامیاب بوده و آن را در درون مدل اقتصادی بین کسانی که در تولید آن نقش واقعی دارند، توزیع می‌کند.

واژگان کلیدی: سود خالص اقتصادی، رقابت، انحصار، هزینه فرصت، تعاونی تلفیقی.

طبقه‌بندی JEL. D24, E33, D41, D42.

مقدمه

از نظر اقتصادی سود عبارت است از تفاوت مجموع درآمدها و هزینه‌ها. درآمد کل یک بنگاه تولیدی برابر است با قیمت واحد تولید، ضربدر مقدار تولید که آن را با TR نشان می‌دهند. هزینه کل برابر است با مجموع هزینه‌های ثابت و متغیر که آن را با TC نشان می‌دهند؛ بنابراین می‌توان رابطه سود را به این صورت نوشت:

$$\text{سود} = \text{TR} - \text{TC}$$

آموزه‌های نظام سرمایه‌داری، صاحبان بنگاه‌های اقتصادی و سرمایه را توصیه می‌کنند به‌گونه‌ای برنامه‌ریزی و کوشش کنند تا رابطه پیش‌گفته همیشه مثبت باشد. هر چه تفاوت در رابطه بیان‌شده بیشتر باشد، سود حاصل از سرمایه‌گذاری بنگاه اقتصادی نیز بیشتر خواهد بود. اندیشه‌وران اقتصاد سود خالص را پاداشی در برابر ریسک و مخاطره سرمایه‌ای می‌دانند که بنگاه اقتصادی برای تولید کالا یا خدمتی تقبل کرده است. نیز باور دارند که سود ضامن پیشرفت اقتصادی است؛ چون سود عامل مهمی برای تحریک و گسترش فعالیت‌های اقتصادی است.

شایان ذکر است که هزینه‌هایی که بنگاه تولیدی متحمل می‌شود و در هزینه کل محاسبه می‌شود، اعم از هزینه‌های مستقیم و تمام هزینه‌های مربوط به فرصت‌های از دست‌رفته (هزینه فرصت) است. برای روشن شدن هزینه فرصت به این مثال‌ها توجه شود: مورد نخست آن است که اگر مالک یک بنگاه تولیدی خودش مدیر آن بنگاه باشد، مزدی که مالک به یک مدیر برای اداره بنگاه می‌پردازد، به عنوان دستمزد خودش در هزینه‌ها وارد می‌کند؛ به عبارت دیگر، پاداشی را که خودش از باب مدیریت در بنگاه دیگر می‌توانست دریافت کند، به عنوان هزینه بنگاه اقتصادی محاسبه می‌کند. مورد دوم: اگر یک کارفرمای اقتصادی، منابع مالی خود را سرمایه‌گذاری کرده باشد، بازگشت سرمایه که این کارفرمای اقتصادی می‌تواند از به کار انداختن سرمایه خودش در بهترین فعالیت دیگری به دست آورد، باید به عنوان هزینه فرصت در هزینه‌ها بشمرد. به سودی که پس از کسر تمام این هزینه‌ها نصیب وی می‌شود، سود خالص یا سود اقتصادی گفته می‌شود (عبادی، ۱۳۷۲، ص ۱۶). در ادامه، منظور از سود، همین سود خالص یا سود اقتصادی است.

نظام اقتصاد سرمایه‌داری بر اساس مبانی بینشی و ارزشی خود و اصول گرفته‌شده از آنها (اصل حداکثرسازی منافع مادی شخصی، مالکیت فردی مطلق، آزادی مطلق اقتصادی و رقابت اقتصادی)، سود خالص اقتصادی را حق عامل سرمایه و صاحب آن دانست. از آنجایی که صاحبان سرمایه افزون بر در اختیار داشتن قدرت عظیم اقتصادی، به‌طور معمول قدرت سیاسی و تقنین جامعه را نیز در چنگ خود داشتند، در چانه‌زنی برای تعیین سهم، واجد قدرت مطلقه بودند و عامل کار، توان کافی برای افزایش سهم خود در روابط جدید اقتصادی را نداشت و به ناچار برای زنده ماندن، شرایط کارفرما را که حداقل دستمزد بود، باید می‌پذیرفت. در چنین شرایطی سرمایه هم عامل تعیین میزان سهم شد و هم عامل اداره بنگاه‌های اقتصادی. از سوی دیگر بر اساس اصول نظام اقتصادی سرمایه‌داری، نه دولت و نه هیچ نهاد دیگری حق دخالت در تعیین روابط اقتصادی بین نیروی کار و سرمایه و صاحب سرمایه را نداشت. این وضعیت باعث شد ثروت و دارایی جامعه در دست افراد اندکی جمع شود و در طرف دیگر، خیل انسان‌های گرسنه و کارگر قرار گیرند (ژید و ریست، ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۲۶۹-۲۷۴). نویسندگان کتاب **تاریخ عقاید اقتصادی** در این باره می‌نویسند:

در برابر این اوضاع و احوال جا داشت که هر شخص صاحب‌نظری از خود بپرسد که آیا دستگاه اقتصادی جامعه در زیر ظاهر فریبنده و درخشان خود، فساد و ناهنجاری عمیقی پنهان نکرده است و آیا بعد از این، چنین تزلزل‌های ادواری فدییه لازم پیشرفت‌های صنعتی نخواهد بود؟ به این ترتیب در همان زمان که آزادی اقتصادی نخستین پیروزی‌های خود را جشن می‌گرفت، دو واقعیت انکارنکردنی؛ یعنی فقر و مسکنت کارگران و بحران‌های اقتصادی افکار را به خود متوجه می‌ساخت و باعث نگرانی می‌شد (همان، ص ۲۷۲).

آنچه از مشکل فقر و شکاف درآمدی بیان شد، مربوط به سده نخست نظام سرمایه‌داری بوده است؛ اما متأسفانه هر چقدر دنیا ثروتمندتر می‌شود، وضعیت نابرابری و فقر بدتر می‌شود؛ به طوری که در دهه ۱۹۶۰ میلادی، درآمد پنجک ثروتمند، سی برابر پنجک فقیر دنیا بود، اما این نسبت، بعد هشتاد برابر شده است (Gordon, p.6). بر اساس گزارش منتشرشده بانک جهانی در سال ۲۰۰۸، این نسبت به ۱۱۴ برابر رسیده است (Milanovic; 1988 & 1993, pp.51-92). مطابق تحقیقی که فرانسویس بورگیگنون و کریستین موریسن

درباره توزیع درآمد مردم جهان از سال ۱۹۹۲-۱۸۲۰ یعنی برای دوره بعد از انقلاب صنعتی تا اواخر قرن بیستم انجام داده‌اند، مشخص شد که سهم بیست درصد فقیر شهروندان دنیا از درآمد جهان در سال ۱۸۲۰، ۴/۵ درصد بوده در حالی که در سال ۱۹۹۲ بدتر شده و به دو درصد رسیده است. این در حالی است که سهم ده درصد ثروتمند شهروندان دنیا از ۴۳/۱ درصد به ۵۳/۴ درصد افزایش یافته است. همین‌طور است وضعیت ضریب جینی؛ به گونه‌ای که از ۰/۵۰۴ به ۰/۶۶۳ افزایش یافته است که نشان‌دهنده بدتر شدن نابرابری در سطح جهان است. (بیو، ۱۳۷۶، ص ۳۲۹).

با توجه به اینکه در چارچوب نظام سرمایه‌داری، سود خالص به عامل سرمایه و صاحب آن تعلق می‌گیرد، این امر باعث تشدید فرایند شکاف ثروت و درآمد می‌شود. پذیرفتن تشدید شکاف درآمدی به معنای آن است که نظام اقتصاد سرمایه‌داری در درون خود فقرزا باشد و فقرزایی پایدار در درون نظام اقتصاد سرمایه‌داری نهادینه شود. آن‌گاه این پرسش همه اندیشه‌وران اقتصادی را به ارایه پاسخ می‌طلبد که راهی برای وجود دارد تا ضمن تعیین پاداش مناسب برای عامل سرمایه سود خالص اقتصادی به‌گونه‌ای توزیع شود تا شکاف درآمدی کاهش یابد، عدالت اقتصادی محقق و نهادینه و فقر کاسته شود؟

تمام نظام‌های اقتصادی خواهان رفع فقر از زندگی همه انسان‌ها هستند و در برابر این اتفاق از خود واکنش نشان داده و الگوهایی را برای کنترل و کاهش سود خالص اقتصادی، بلکه از بین بردن آن ارائه داده‌اند. برخی از صاحب‌نظران اقتصادی با توجه به مبانی نظام اقتصادی مورد قبول با اصل تحصیل سود اقتصادی که به عامل سرمایه و صاحب آن تعلق بگیرد، مخالفت کردند. بعضی دیگر باور دارند که اصل سود اقتصادی مطلوب است؛ اما آنچه باعث تشدید شکاف درآمدی و ثروت و در نتیجه باعث نهادینه شدن فقر می‌شود، تعلق سود خالص به عامل سرمایه و صاحب آن است؛ پس اگر سرمایه سود معینی یا سود محدود و متناسبی دریافت کند و سود خالص اقتصادی بین همه نیروهای کار بر اساس نقش آنها در تولید آن، تقسیم شود، مشکل شکاف درآمدی و فقر، کنترل می‌شود؛ بنابراین اگر نظامی طراحی شود که سود خالص اقتصادی از تعلق به عامل سرمایه، حذف شود و

بین عامل کار به میزان نقشی که در تولید آن دارند، توزیع شود، نظام اقتصادی با مشکل پیش‌گفته روبه‌رو نخواهد شد.

از آموزه‌های اسلامی استفاده می‌شود که حکم تحصیل سود متعلق به سرمایه بر اساس شرایط متفاوت است که در ادامه توضیح مختصری ارائه می‌شود و تفصیل هر مورد به نوشتار مستقلی نیاز دارد:

الف) در بعضی شرایط مستحب است. از برخی روایات‌ها استفاده می‌شود که توسعه برای افراد واجب‌النفعه مستحب است (کلینی، [بی‌تا]، ج ۴، ص ۱۱، ح ۳/۶، ص ۴۳/۴ ج ۴، ص ۱۲)؛ بنابراین به کار انداختن سرمایه و فعالیت اقتصادی برای تحصیل سود به قصد توسعه برای افراد واجب‌النفعه می‌تواند امر مستحبی تلقی شود.

ب) در برخی شرایط تحصیل سود، مکروه و خلاف اخلاق است. این مورد در انتهای همین با ذکر برخی روایات‌ها بررسی می‌شود.

ج) در شرایطی بر برخی افراد تحصیل سود خالص اقتصادی متعلق به سرمایه، واجب شود. اگر افراد واجب‌النفعه شخصی با نیازهای ضروری روبه‌رو باشند. آن شخص می‌تواند با کوشش اقتصادی و به کارگیری سرمایه‌ای نیازهای آنان را تأمین کند، بر وی واجب است به چنین امری اقدام کند.

در ادامه دیدگاه‌های اقتصادی مربوط به تعلق سود خالص اقتصادی به سرمایه بررسی می‌شود و آن‌گاه این مسئله از دیدگاه آموزه‌های اسلامی بررسی می‌شود. شایان ذکر است که مقاله پیش رو با این رویکرد، پیشینه علمی خاصی که قابل بررسی و تحلیل باشد، ندارد. نیز با توجه به رویکرد استکشافی مقاله، فرضیه خاصی را دنبال نمی‌کند؛ در عین حال شاید بتوان عبارت ذیل را به عنوان فرضیه تحقیق تلقی کرد: «الگوی تعاونی تلفیقی در چارچوب آموزه‌های اسلامی، ضمن تعیین پاداش مناسب برای سرمایه، مناسب‌ترین الگو برای انتقال سود خالص اقتصادی به عامل کار است».

این مقاله به روش توصیفی - تحلیلی و گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای و با بهره‌گیری از روش‌های عقلایی در صدد پاسخ به پرسش اصلی و بررسی فرضیه بیان شده است.

الگوی بازار آزاد رقابت کامل و حذف سود خالص سرمایه

طرفداران نظام سرمایه‌داری به‌رغم تحلیل و نگاه مثبت نسبت به سود خالص اقتصادی متعلق به سرمایه نتوانستند منکر آثار منفی شدید آن شوند؛ بنابراین الگوی بازار آزاد رقابت کامل را راه‌حلی برای حذف آن پیشنهاد و تحلیل کرده‌اند و حتی اثبات می‌کنند که با تحقق الگوی بازار آزاد رقابت، تولیدکنندگان ناچارند با سود منفی اقتصادی نیز تولید را ادامه دهند.

اقتصاددان‌ها بازاری را به عنوان بازار آزاد رقابت کامل با فرض‌هایی در نظر می‌گیرند و تحلیل‌های خود را بر پایه فرض‌های (شرایط) آن بازار، ارائه داده و به این نتیجه می‌رسند که الگوی بازار رقابت کامل بهترین الگو برای حذف سود خالص متعلق به سرمایه است. فرض‌های بازار رقابت کامل عبارتند از:

۱. تعداد عرضه‌کنندگان و تقاضاکنندگان به قدری فراوان هستند که هیچ‌یک از آنها نمی‌توانند بر قیمت بازار اثر بگذارند. به عبارت دیگر تمام آنها قیمت‌پذیر هستند نه قیمت‌گذار و تعیین‌کننده قیمت.
۲. کالاهای تولیدی همگن هستند. تمام آنها محصولی یکسان و مشابه تولید می‌کنند.
۳. اطلاعات به‌طور کامل شفاف است. تمام خریداران و فروشندگان به‌طور کامل از اوضاع بازار و قیمت‌ها مطلع هستند.
۴. عوامل تولیدی به‌طور کامل قابل نقل و انتقال هستند و برای این امر هیچ‌گونه مانع و محدودیتی وجود ندارد.
۵. ورود و خروج بنگاه‌های تولیدی به بازار به‌طور کامل آزاد و بدون هیچ‌گونه مانع است (عبادی، ۱۳۷۲، ص ۴۴-۴۵).

طرفداران الگوی بازار رقابت سرمایه‌داری مدعی هستند که هر تولیدکننده به هدف حداکثرکردن سود خود به تولید اقدام می‌کند و برای تحقق این امر از تمام شرایط و امکانات موجود خود استفاده می‌کند؛ اما شرایط بازار رقابت کامل ممکن است وی را مجبور کند تا با سود خالص اقتصادی منفی نیز تولید و عرضه کند. بنگاه‌های تولیدی با دو نوع هزینه ثابت و متغیر روبه‌رو هستند. هزینه ثابت تابع میزان تولید نیست؛ اما هزینه‌های متغیر تابع میزان تولید است؛ بنابراین تولیدکننده چه تولید کند یا تولید نکند با هزینه ثابت تولید روبه‌رو است؛ پس وقتی تولید و فروش بنگاه اقتصادی به‌گونه‌ای باشد که فقط تمام

هزینه‌های متغیر را بتواند پوشش دهد، منطقی است به تولید خود ادامه دهد؛ پس هزینه ثابت عنصر تعیین‌کننده ادامه یا عدم تولید نیست؛ مگر اینکه شرایط تغییر بنگاه تولیدی برای تولیدکننده وجود داشته باشد. این بحث با فرض عدم امکان چنین تغییری است؛ بنابراین در الگوی بازار رقابت، منطقی است که تولیدکننده میزان هزینه ثابت را متحمل شود و تولید خود را ادامه دهد. به عبارت دیگر، تولیدکننده بر اساس الگوی بازار رقابت تا حد هزینه‌های ثابت، سود اقتصادی منفی را متحمل می‌شود؛ بنابراین الگوی بازار رقابت کامل، بهترین مدل برای حذف سود خالص اقتصادی است.

تحلیل اصل رفتاری رقابت، بُعدها و شقوق آن از دید آموزه‌های اسلامی مجال دیگری را می‌طلبد. نیز اندیشه‌وران اقتصادی اصل رفتاری رقابت و رقابت کامل را هم به لحاظ سیر تاریخی و هم به جهت وقوع شرایط آن مورد نقد و بررسی قرار داده‌اند که در این مختصر مجال بیان آنها نیست و فقط اشاره‌ای کوتاه به برخی از آن مطالب می‌شود.

تحلیل گره‌های بازار رقابت نظام سرمایه‌داری بلکه طرفداران آن به صراحت وقوع شرایط بازار رقابت کامل را در عالم خارج غیرممکن می‌دانند (عبادی، ۱۳۷۲، ص ۴۵). برخی نیز آن شرایط را فقط یک سری شرایط مطلوب معرفی می‌کنند و معتقدند که کم‌وبیش در هیچ بازاری رقابت کامل پدید نخواهد آمد (واریان، ۱۳۷۸، ص ۲۴۸). افزون بر آنها برخی از همین نویسندگان نقاط ضعف فراوانی برای بازار رقابت می‌شمارند (عبادی، ۱۳۷۲، ص ۱۴-۱۳)؛ از جمله اینکه در بازار آزاد رقابتی، جو تبلیغاتی تولیدکنندگان و فروشندگان، مصرف‌کنندگان را وامی‌دارد هرچه را تولیدکننده مایل است، همان را تقاضا کنند. دیگر اینکه در بسیاری موارد تولیدکنندگان انحصاری، کنترل بازار را در دست دارند و قیمت کالاها و خدمات را تعیین می‌کنند (همان). در حقیقت این محققان منصف معتقدند که نظام سرمایه‌سالاری اقتصادی نظام سرمایه‌داری، بازار آزاد رقابتی را ابزاری برای به انحصار درآوردن منافع مادی خود قرار داده‌اند؛ بنابراین بازار رقابت کامل هرگز پدید نیامده است و تحقق شرایط بازار رقابت کامل در عالم واقع و در خارج از ذهن انسان، محال عرفی است و رفتار رقابتی، سرچشمه اصلی رفتار انحصارگرانه در عرصه اقتصادی است. رفتاری که روزبه‌روز شکاف درآمدی را در سطح بین‌المللی گسترده‌تر کرده و صاحبان قدرت اقتصادی را بر مصادر سیاسی و مدیریتی جوامع مسلط کرده است. آنان با تکیه بر این

الگوی رفتاری، کل دنیا را تبدیل به یک بنگاه اقتصادی کرده‌اند. سرمایه‌دارانی که این بنگاه انحصاری را پدید آورده و از آن به شدت حمایت می‌کنند، سود خالص اقتصادی هنگفتی را در سطح بین‌المللی به جیب می‌زنند؛ بنابراین این الگو هرگز نمی‌تواند سود خالص اقتصادی را از بین ببرد یا به حداقل برساند.

طرفداران نظام سوسیالیسم، سرچشمه تمام مشکل‌های اقتصادی را سود و مالکیت خصوصی می‌دانند. راه‌حل حذف سود را تحقق الگوی اصل رفتاری انحصاری از ناحیه دولت می‌دانند و مدعی هستند که باید با سلطه دولت بر تمام دارایی‌های جامعه، سود را از روابط اقتصادی حذف کرد.

الگوی انحصاری سوسیالیسم و حذف سود خالص سرمایه

سوسیالیسم باور دارد که سرچشمه تمام مشکل‌های اقتصادی و بی‌عدالتی‌ها، مالکیت سرمایه و سود ناشی از آن است؛ بنابراین باید ریشه مشکل‌ها را از بین برد و مالکیت خصوصی سرمایه را ملغی کرد. آنان باور دارند که سرمایه در اقتصاد عقیم است و فقط نیروی کار در تولید ارزش‌های اقتصادی مؤثر است؛ پس تعلق پاداش به سرمایه، نادرست است. به همین علت باور دارند سرمایه باید در انحصار دولت باشد. در حقیقت به جای سرمایه‌داری بخش خصوصی، سرمایه‌داری دولتی را دنبال کردند. اگر الگوی رقابت نظام سرمایه‌داری به مرور باعث می‌شود تا تولید به انحصار صاحبان سرمایه درآید و سود اقتصادی آنان حداکثر شود؛ نظام سوسیالیسم کل سرمایه جامعه را تحت مالکیت دولت درمی‌آورد و اگر در چنین شرایطی سرمایه سودی داشته باشد، تماماً در اختیار دولت است. در حقیقت آنان تصریح دارند که هر کس باید به میزان توان خود بکوشد و به میزان نیازش، بهره‌مند شود (تفضلی، ۱۳۷۵، ص ۱۶۵-۱۵۹ / ژید و ژیست، ۱۳۷۰، ج ۲، ص ۱۵۲-۱۴۰ / نمازی، ۱۳۸۲، ص ۸۲-۷۲).

درباره مفسد این نظام کافی است توجه شود که اگر انسان‌ها کوشش اقتصادی کنند اما محصول کوشش اقتصادیشان به خود آنان برنگردد، به‌طور حتم انگیزه فعالیت اقتصادی در آنها کاهش می‌یابد و فقر شدیدی بر تمام زندگی مردم حاکم خواهد شد. کشورهای سوسیالیستی سابق، نمونه‌های کشورهای با فقر گسترده بودند؛ بنابراین نظام سوسیالیسم به

جای حل مسئله مشکل‌های ناشی از تعلق سود خالص اقتصادی به سرمایه، صورت مسئله را پاک کرده است و نظامی را طراحی و اجرا کرده است که در آن فعالیت‌های اقتصادی سودآور محقق نشود و فقر گسترده، محصول چنین نظامی باشد.

اقتصاد تعاونی تلفیقی و انتقال سود خالص اقتصادی به عامل کار

تعاونی‌ها با ملاک تولید و مصرف به سه دسته تقسیم می‌شوند: الف) تعاونی‌های تولید؛ ب) تعاونی‌های توزیع؛ ج) تعاونی‌های تلفیقی تولید و توزیع. تحقیق پیش رو باور دارد که تعاونی تلفیقی الگویی برای انتقال سود خالص اقتصادی به عامل کار است. در تعاونی‌های تلفیقی، سه گروه: صاحبان سرمایه، نیروی کار و مصرف‌کنندگان در کنار هم قرار می‌گیرند و هدف‌های همه آنها در فعالیت‌های اقتصادی تأمین می‌شود؛ بلکه هر یک از اعضای تعاونی، مصرف‌کننده، تولیدکننده و صاحب سرمایه است. این نوع تعاونی‌ها افزون بر بنگاه‌های اقتصادی توزیع، کارخانه‌های متعددی داشته و اجناس مورد نیاز اعضا و نیز مواد اولیه آنها را مطابق با ذوق و سلیقه آنان تولید می‌کنند. این نوع تعاونی‌ها برای تأسیس و تحقق هدف‌های خود باید طرح سه مرحله‌ای را دنبال کنند که به اختصار در ادامه توضیح داده می‌شود و تفصیل بُعدها و اجزای آن در نوشتارهای تفصیلی ارائه می‌شود:

مرحله نخست: در این مرحله، تعاونی‌های توزیع و مصرف محلی تأسیس می‌شوند. همه افراد با خرید یا پذیرش تعهد حداقل یک سهم می‌توانند به عضویت این نوع تعاونی‌ها درآیند. با توسعه و تمرکز تعاونی‌های توزیع و مصرف و پدیدساختن اتحادیه‌های تعاونی، شعاع عمل وسیعی برای آنها فراهم می‌شود. با توسعه شرکت‌های تعاونی، حجم فروش کالاها گسترده می‌شود. تعاونی‌های توزیع و مصرف، کالاها را به قیمت بازار به مصرف‌کنندگان عرضه می‌کنند. آنها منافع قابل توجهی از راه جمع‌آوری سرمایه‌های کوچک و مازاد فروش بین قیمت تمام‌شده و فروش به قیمت بازار به دست می‌آورند. گسترش تعاونی‌ها در این مرحله، فقط برای به دست آوردن سرمایه کافی برای راه‌اندازی بنگاه‌های تولیدی برای دو مرحله بعدی نیست؛ بلکه مهمتر از آن به دست آوردن بازار لازم و مطمئن برای تولیدات است؛ چون با داشتن تعداد قابل قبول اعضا، تعاونی‌ها با اعتماد و اطمینان بیشتری به تولید کالاها و خدمات اقدام می‌کنند.

اتحادیه ملی تعاونی‌ها بر فرایند فعالیت‌های اقتصادی نظارت می‌کند تا تعاونی‌ها از اصول خود عدول نکنند. اتحادیه ملی تعاونی‌ها انواع هدایت‌ها و حمایت‌ها مانند کمک‌های مالی، بازاریابی، فنی و ... را برای این گونه تعاونی‌ها ارائه می‌دهند.

مرحله دوم: در این مرحله با استفاده از سرمایه‌های جمع‌آوری شده از راه فروش سهام به اعضا و ذخیره‌های حاصل از فعالیت‌های اقتصادی مرحله نخست، کارخانه‌های تولیدی تأسیس می‌شوند. با تأسیس این گونه واحدهای تولیدی، کالاهای مصرفی اعضا به دست تعاونی‌های توزیع و مصرف یا تحت نظارت آنها تولید و عرضه می‌شوند. به عبارت دیگر، مصرف‌کنندگان، کالاهای مورد نیاز خودشان را تولید می‌کنند یا تحت نظارتشان تولید می‌شود. بنگاه‌های تولیدی تعاونی برای تولید خود از پیش، میزان تقاضا را به‌طور تقریبی اطلاع دارند؛ چون مشتریان تعاونی‌ها اعضای تعاونی‌ها هستند که در مرحله نخست به تعداد فراوانی افزایش یافته‌اند؛ البته در صورتی که مشکلی برای تعاونی‌ها پدید نیاید، کالاهای تولیدی را نیز می‌توانند به غیر اعضای تعاونی بفروشند.

مرحله سوم: در این مرحله تعاونی‌ها باید رأساً مواد اولیه تولید را خودشان فراهم کنند. خرید زمین، تهیه مواد اولیه از راه خرید معادن و ... برای تأمین مواد مورد نیاز کارخانه‌های تولیدی را فراهم می‌کنند. به این ترتیب با فرض اینکه همه مصرف‌کنندگان، عضو تعاونی‌ها هستند و تمام مراحل تولید، تبدیل، بسته‌بندی، توزیع و مصرف و ... به‌وسیله خود اعضا انجام می‌شود، تاخت‌وتاز بنگاه‌های سرمایه‌داری کنترل می‌شود. با تأسیس این قبیل تعاونی‌ها، فاصله‌های طبقاتی کاهش پیدا کرده و کینه و عداوت از بین می‌رود و به نزاع بین کارگران و کارفرمایان پایان داده می‌شود.

علت اینکه آغاز فعالیت تعاونی تلفیقی باید از تعاونی توزیع و مصرف باشد، چنین است: تمام افراد بشر اعم از کودک خردسال تا پیران سال‌خورده و صاحبان انواع مشاغل و ... همه مصرف‌کننده هستند. برای تحقق چنین شرایطی باید مصرف‌کنندگان، تولید کالاها و خدمات مورد نیاز خود را بر عهده گیرند. به این ترتیب بین تولید و مصرف توازن و تعادل برقرار می‌شود. واسطه بین مصرف‌کننده و تولیدکننده نیز از بین می‌رود و بخش مهمی از درآمد مصرف‌کنندگان که به واسطه‌ها می‌رسد، برای مصرف‌کننده صرفه‌جویی شده و قدرت خرید آنان افزایش می‌یابد. افزون بر آن، سودی که از طرف مصرف‌کنندگان پیش از

آن به سرمایه‌داران تولیدکننده می‌رسید، به نفع مصرف‌کنندگان که خود، تولیدکننده نیز هستند، صرف انجام امور تولیدی شده یا باعث افزایش قدرت خرید آنان می‌شود.

در تعاونی‌های تلفیقی، تمام اعضای تعاونی‌ها چه اعضای که در تعاونی‌ها اشتغال به کار دارند و چه آنانی که در تعاونی‌ها اشتغال به کار ندارند، سهام‌داران تعاونی هستند. با توافق اعضای تعاونی و تصویب هیئت مدیره، سود متناسبی به سرمایه آنها تعلق می‌گیرد. تولیدکنندگان نیز از اعضای تعاونی‌ها هستند که افزون بر صاحب سهم بودن از دستمزد مناسبی بهره‌مند می‌شوند. اعضای تعاونی غیرشاغل که فقط به خرید کالاهای تولیدی جهت مصرف اقدام می‌کنند، افزون بر دریافت سود سهام متناسب، کالاهای با کیفیتی که مورد نظرشان است از تعاونی‌ها می‌خرند؛ بنابراین هدف‌های هر سه گروه: صاحبان سرمایه، تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان در تعاونی‌های تلفیقی، تأمین می‌شود؛ چون هر یک از اعضای تعاونی‌ها اغلب هر سه ویژگی: صاحب سرمایه، تولیدکننده و مصرف‌کننده را دارد.

با توجه به مطالبی که بیان شد، تعاونی‌های تلفیقی، الگوی مناسبی برای انتقال سود خالص اقتصادی به عامل کار است؛ چون آنان محصول‌های تولیدی را به قیمت بازار می‌فروشند؛ اما پس از کسر تمام هزینه‌ها از جمله دستمزد اعضا، مازاد (سود خالص) را بین اعضای شاغل تعاونی که در تولید آن نقش داشته‌اند، توزیع می‌کنند. هر چند اعضای شاغلی که سود خالص بین آنان توزیع می‌شود، صاحبان سرمایه و مالک بنگاه‌های اقتصادی تعاونی هستند؛ اما توزیع مازاد برگشتی (سود خالص) بین آنان به اعتبار میزان سرمایه آنان نیست بلکه فقط بر اساس میزان تخصص آنان در تولید و زمان اختصاص یافته از آنان در تولید، توزیع می‌شود؛ یعنی هر یک از اعضای شاغل به میزان نقشی که در تولید سود خالص دارند از آن بهره‌مند می‌شوند.

الگوی تعاونی تلفیقی برای تأسیس و اجرا اصولی دارد که بستر آن را فراهم می‌کند. در ادامه اصول بسترساز تعاونی تلفیقی به اختصار بیان می‌شود.

اصول بسترساز اقتصاد تعاونی تلفیقی

برای اینکه بستر طرح سه مرحله‌ای اقتصاد تعاونی تلفیقی، فراهم شود باید در هر سه مرحله، اصولی پی‌گیری شود که به اختصار بیان می‌شوند:

۱. اصل رفتاری تعاون در درون مدل و رقابت مسئولانه با بیرون مدل

تحقق اقتصاد تعاونی تلفیقی با پی‌گیری اصل رفتاری رقابت در درون مدل، امکان ندارد؛ چون پی‌گیری اصل رفتاری رقابت برای سودجویی و بیشینه کردن سود مادی شخصی است؛ در حالی که هدف از تأسیس اقتصاد تعاونی تلفیقی، رفع نیازهای مادی، افزایش قدرت خرید و فزونی منافع اقتصادی همه اعضای تعاونی است. چنین هدفی فقط با پی‌گیری اصل رفتاری تعاون ممکن است. پی‌گیری اصل رفتاری تعاون در صورتی ممکن است که همه فعالان اقتصادی به صورت مشاعی تام مالک منابع و محصول تولیدی باشند؛ البته اعضای تعاونی‌های تلفیقی با بنگاه‌های اقتصادی سرمایه‌داری به رقابت مسئولانه می‌پردازند. به عبارت دیگر، رقابت با بیرون مدل حق آنان است اما در برابر بهره‌مندی از این حق با برخی مسئولیت‌هایی روبه‌رو هستند. در این رقابت به‌گونه‌ای رفتار و مراقبت می‌کنند تا بنگاه‌های اقتصادی سرمایه‌داری به آنها صدمه وارد نکنند. نیز قادر به حفظ شرایط خود در برابر آنها باشند و پیشرفت و بالندگی خود را حفظ کنند. در صورت امکان برای گسترش فعالیت اقتصاد تعاونی و جلوگیری از ورشکستگی بنگاه‌های اقتصادی سرمایه‌داری، بستر ادغام آنها را در تعاونی‌ها فراهم می‌کنند.

۲. اصل آزادی اقتصادی مسئولانه

فلسفه تأسیس اقتصاد تعاونی، ترفیع جایگاه انسان در برابر سرمایه و حفظ کرامت انسانی در عرصه اقتصادی است. هدف از اقتصاد تعاونی، تأمین رفاه عمومی و توزیع عادلانه ثروت و دارایی جامعه است؛ بنابراین اگر مقتضی و ظرفیت همکاری برای افراد وجود داشته باشد، آنان در صورت تمایل، مختارند در این نوع فعالیت، همکاری و عضویت یابند. این همکاری و عضویت، در صورتی که با نافرمانی خداوند متعال ﷻ و گناه همراه نباشد، مصادق بر و تقواست که خداوند متعال ﷻ به آن فرمان داده است: «تعاونوا علی البر و التقوی» (مائده: ۲)؛ «در امور خیر و تقوا تعاون و همکاری کنید».

اگر افرادی برای رفع نیازهای زندگی خود، نیازمند به عضویت و همکاری در اقتصاد تعاونی باشند، بر اساس حقوق برادری در اسلام، حق عضویت و همکاری پیدا می‌کنند. انسان‌ها در پذیرش یا عدم پذیرش عضویت، مختار و آزاد هستند؛ چرا که آزادی، حق افراد است؛ البته در صورت تمایل فردی به عضویت، اعضای شرکت تعاونی به پذیرش عضویت وی ملزم نیستند. هر چند اگر فرد متقاضی واجد صلاحیت همکاری بوده و مقتضی و ظرفیت پذیرش نیز وجود داشته باشد، اعضای شرکت تعاونی در صورت عدم پذیرش وی، کاری خلاف اخلاق و حقوق برادری انجام داده‌اند. از سوی دیگر نباید فردی را به پذیرش عضویت مجبور کرد یا شرایطی را پیش آورد تا افرادی به عضویت و همکاری در تعاونی مجبور شوند؛ چرا که این نوع رفتار مانع بهره‌مندی انسان‌ها از حق آزادی و اختیارشان می‌شود.

علت اصل آزادی، افزون بر سیره عقلا (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۰، ج ۲، ص ۱۹-۴۳)، روایت‌هایی است که از امامان معصوم علیهم‌السلام وارد شده است (حرّ عاملی، ۱۳۸۸، ج ۱۳، ابواب احکام الوصایا، باب ۱۷، ح ۱-۲ / مجلسی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۲۷۳)؛ بنابراین آزادی عضویت در فعالیت تعاونی، حق انسان است اما در برابر این حق، وی با تکلیف‌هایی روبه‌رو است. امام علی علیه‌السلام درباره تلازم حق و تکلیف بیان روشنی دارند:

«فَقَدْ جَعَلَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ لِي عَلَيْكُمْ حَقًّا يُولِيهِ أَمْرَكُمْ وَ لَكُمْ عَلَيَّ مِنَ الْحَقِّ مِثْلُ الَّذِي لِي عَلَيْكُمْ فَالْحَقُّ أَوْسَعُ الْأَشْيَاءِ فِي التَّوَاصُفِ وَ أَضْيَقُهَا فِي التَّنَاصُفِ لَا يَجْرِي لِأَحَدٍ إِلَّا جَرَى عَلَيْهِ وَ لَا يَجْرِي عَلَيْهِ إِلَّا جَرَى لَهُ وَ لَوْ كَانَ لِأَحَدٍ أَنْ يَجْرِيَ لَهُ وَ لَا يَجْرِيَ عَلَيْهِ لَكَانَ ذَلِكَ خَالِصًا لِلَّهِ سُبْحَانَهُ دُونَ خَلْقِهِ» (شریف رضی، ۱۳۷۸، خ ۲۱۶؛ ص ۲۴۸).

حضرت علی علیه‌السلام می‌فرماید: اگر کسی حقی بر کسی دارد، در برابر آن، تکلیفی بر گردن وی است که باید آن را انجام دهد؛ یعنی بین حق و تکلیف تلازم وجود دارد؛ پس اگر برای کسی حقی درباره موهبت‌های الهی وجود دارد، بر عهده وی تکلیف کار است که باید آن را انجام دهد.

بنابراین اگر فردی از این حق خود بهره‌مند شود و به عضویت تعاونی درآید با تکلیف‌ها و مسئولیت‌هایی روبه‌رو است. این مسئولیت‌ها اعم از مسئولیت‌های حقوقی و اخلاقی است که اعضای تعاونی هنگام عضویت متعهد به انجام آنها می‌شوند و اصول و ارزش‌های تعاونی آنها را بیان می‌کنند.

۳. اصل مدیریت همگانی

اقتصاد تعاونی را متناسب با فلسفه آن، مجمع اشخاص و اعضا می‌دانند؛ بنابراین حاکمیت همه اعضا، معیار و ملاک در فعالیت‌های اقتصاد تعاونی است؛ در نتیجه، تمام اعضای تعاونی با صرف‌نظر از میزان سهمشان حق رأی مساوی در فرایند مدیریت اقتصادی دارند (طالب، ۱۳۷۶، ص ۱۵۷ / وزارت تعاون، ۱۳۵۲، ص ۸۶ - ۸۹ / بوگاردوس، ۱۳۵۲، ص ۳۱-۳۳ / بکن، ۱۳۵۶، ص ۵۱-۵۳ / انصاری، ۱۳۸۳، ص ۱۶۴-۱۶۷). اعضای تعاونی از این راه اعمال مدیریت و نظارت همگانی می‌کنند؛ البته برای اینکه فرایند مدیریتی در اقتصاد تعاونی از کارآمدی فاصله نگیرد، بر اساس سابقه عضویت و میزان آشنایی با روش‌های صحیح اعمال مدیریت همگانی، تخصص و دانش، تجربه و برخی معیارهای دیگر تفاوت‌هایی را در میزان رأی و حق اعمال مدیریت قرار داده‌اند؛ اما در اقتصاد تعاونی هیچ‌گاه بر اساس میزان سرمایه اعضا نقشی در مدیریت تعیین نمی‌شود؛ چون در این صورت به‌مرور جریان سرمایه‌سالاری بر فرایند اقتصاد تعاونی حاکم می‌شود که این امر، خلاف فلسفه تأسیس اقتصاد تعاونی است.

راسل باور دارد که نمی‌توان از نظام سرمایه‌داری، اجتماعی هماهنگ و عاری از کینه‌جویی و نارضایتی را انتظار داشت؛ چون جدایی روزافزون گروه‌های کارگر و سرمایه‌دار و اختلاف منافع آنان عواقب نامطلوبی دربردارد. وی باور دارد که فقط نظام تعاونی می‌تواند بسیاری از عواقب نامطلوب پیش‌گفته را کاهش دهد (مدنی، ۱۳۷۲، ص ۱۳۶).

از دید آموزه‌های اسلامی این نوع مدیریت همگانی مورد تأیید است؛ چون فقیهان اسلام انواع شرکت‌های صحیح و باطل را در بحث‌های فقهی مورد بررسی قرار داده‌اند که به‌اختصار اشاره می‌شود. شرکت به دو دسته تقسیم می‌شود: الف) شرکت قهری؛ ب) شرکت اختیاری. شرکت قهری آن شرکتی است که از امتزاج یا مخلوط‌شدن غیراختیاری اموال دو یا چند نفر یا جمع‌شدن حقوق آنان در چیزی بدون اختیار آنان به جهت سببی

همانند ارث پدید می‌آید. شرکت اختیاری آن شرکتی است که با اختیار مالک‌ها، امتزاج یا مخلوط‌شدن اموال اتفاق می‌افتد. یکی از انواع شرکت‌های اختیاری، شرکت عقدی در اموال بین دو نفر یا بیشتر است. شرکت عقدی چهار نوع داریم که عبارتند از:

۱. **شرکت عنان (اموال):** در این نوع شرکت دو یا چند نفر با هم قرارداد می‌بندند که با اموال مشترک خودشان فعالیت اقتصادی انجام دهند. شرکت عقدی فقط در اموال صحیح است و سه نوع دیگر شرکت که در ادامه توضیح داده می‌شوند، از نظر شرعی غیرصحیح و باطل است.

۲. **شرکت ابدان (اعمال):** در این نوع شرکت دو نفر یا بیشتر از دو نفر با هم قرارداد می‌بندند که هر چیزی را که با کارکردن به عنوان مزد یا اجرت به دست می‌آورند با هم شریک باشند. در این نوع شرکت فرقی ندارد که عمل آنان یک نوع باشد؛ همانند اینکه دو نفر با هم خیاطی کنند یا عمل آنان تفاوت باشد؛ همانند اینکه یک نفر بافتن پارچه را و دیگری خیاطی آن را عهده‌دار شود. این نوع شرکت از دید فقهی باطل و غیرصحیح است.

۳. **شرکت وجوه:** در این نوع شرکت دو نفر یا بیشتر از دو نفر که در میان مردم صاحب اعتبار و آبرو هستند اما مالی برای فعالیت اقتصادی و تجارت ندارند؛ بنابراین با هم قرار می‌گذارند تا اموالی را به حسب اعتبار خود به صورت نسبه خرید و سپس در فرصت مناسبی آن را بفروشند و در سودوزیان حاصل شریک باشند. روشن است که در این نوع شرکت فقط اعتبار و آبروی آنان، عنصر اصلی تحقق شرکت است. این نوع شرکت نیز از دید فقهی غیرصحیح و باطل است.

۴. **شرکت مفاوضه:** در این نوع شرکت دو نفر یا بیشتر از دو نفر با هم قرارداد می‌بندند که هر چیزی را که از راه سود تجارت، زراعت، ارث، وصیت و امثال این‌ها تحصیل می‌کنند با هم شریک باشند. نیز هر نوع زیان و خسارت وارد بر آنان، بر عهده همه آنان باشد. این نوع شرکت نیز باطل است (نجفی، ۱۳۹۴ق، ج ۲۶، ص ۲۸۴ / موسوی خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۵۹۲-۵۹۳، مسئله ۳-۵).

با توجه به مطالب گذشته و نیز ویژگی شرکت‌های تعاونی که عبارتند از:

۱. شرکت‌های تعاونی مانند شرکت عقدی عنان (اموال) شمرده می‌شود؛
۲. اموری مانند بلوغ، عقل، اختیار و ... که در عقدهای مالی اعتبار دارد، در شرکت‌های تعاونی رعایت می‌شوند؛
۳. در شرکت‌های تعاونی مشارکین شرطی که خلاف مقتضای عقد و نیز ناسازگار با

موازن شرعی نمی‌کنند، می‌توان گفت شرکت تعاونی عقدی صحیح است. بنابراین در مدیریت شرکت‌های تعاونی اگر هر عضوی با اختیار کامل بپذیرد که همه اعضا در مدیریت تعاونی به صورت بیان‌شده سهیم باشند نه خلاف مقتضای عقد و نه به امری که خلاف شرع باشد، ملتزم شده‌اند.

۴. اصل سود محدود (متناسب) برای سرمایه

فلسفه تأسیس اقتصاد تعاونی تلفیقی، ترفیع جایگاه انسان در برابر سرمایه و صاحب سرمایه است؛ بنابراین در اقتصاد تعاونی بر اساس توافقی که اعضای تعاونی انجام می‌دهند یا در برخی کشورها بر اساس قوانین کشورها به سرمایه اعضا حداکثر تا میزان بهره عرضه و تقاضای بازار، پاداش داده می‌شود؛ البته در اغلب موارد کمتر از بهره عرضه و تقاضای بازار آزاد است؛ چون اگر به سرمایه، پاداشی بیش از پاداش عرضه و تقاضای بازار آزاد داده شود یا مازاد دستمزد نیروی کار و دیگر هزینه‌ها، سهم سرمایه و مالک آن باشد، سرمایه و صاحب سرمایه در برابر نیروی‌های فعال اقتصادی - نیروی کار ماهر، نیمه ماهر و ساده - ترفیع شأن می‌یابد و به‌مرور در تعاونی‌ها سرمایه قدرت می‌گیرد و صاحبان سرمایه تعاونی‌ها را مصادره می‌کنند و آنها را تبدیل به بنگاه‌های اقتصادی سرمایه‌داری می‌کنند؛ اما محدودیت سود سرمایه و پرداخت سود خالص به نیروهای فعال اقتصادی بر اساس میزان نقشی که در آن دارند، حرکت به سمت ترفیع جایگاه نیروهای فعال اقتصادی در برابر سرمایه است.

۵. اصل مازاد برگشتی

در اقتصاد سرمایه‌داری، سود حاصله بین تعداد خاصی که صاحبان سرمایه هستند، توزیع می‌شود اما در اقتصاد تعاونی، اصل آن است که مازاد درآمدی بیش از هزینه‌های انجام‌شده پدید نیاید؛ بنابراین تعاونی‌ها باید محصول خود را به قیمت تمام‌شده به اعضای خود بفروشند اما به علل ذیل شرکت تعاونی به انجام چنین امری قادر نیست:

۱. فروش کالا به قیمت تمام‌شده ممکن است باعث تحریک بخش خصوصی شده و رقابت مخرب آنان را علیه تعاونی‌ها برانگیزاند.
۲. قیمت تمام‌شده که به‌طور معمول از قیمت متعارف بازار پایین‌تر است باعث می‌شود

برخی از اعضا کالا را بیش از نیاز خود خریده و در اختیار دیگران قرار دهند. این امر ممکن است مشکل‌هایی برای تعاونی پدید آورد.

۳. ممکن است برخی کالاها در انبار باقی بماند یا فاسد شود یا از نظر وزن و کیفیت افت کند. در این صورت فروش به قیمت تمام‌شده باعث زیان می‌شود.

۴. سرشکن کردن هزینه‌های شرکت تعاونی روی انواع کالاها و تعیین قیمت تمام‌شده هر یک از آنها، افزایش هزینه‌های حسابداری و مشکل‌های فراوانی را به دنبال دارد (بکن، ۱۳۵۶، ص ۶۸-۶۶ / طالب، ۱۳۷۶، ص ۲۳۶-۲۳۵ / انصاری، ۱۳۸۳، ص ۱۷۵-۱۷۴).

بنابراین شرکت تعاونی ناچار است قیمت کالاهای خود را در حد قیمت متعارف بازار یا نزدیک به آن، عرضه کند. در حقیقت خریدار کالا با خرید خود، مازادی به اندازه تفاوت قیمت تمام‌شده و قیمت خرید را پدید می‌آورد، در حالی که هدف از تأسیس تعاونی، عدم پرداخت این مازاد به وسیله اعضای تعاونی است؛ بنابراین مازاد پدید آمده به وسیله فعالان اقتصادی تعاونی در پایان سال مالی باید به نسبت نقشی که در تولید آن دارند، به خود آنان برگردانده شود (طالب، ۱۳۷۶، ص ۲۱۹ / انصاری، ۱۳۸۳، ص ۱۷۵-۱۷۴؛ وزارت تعاون و امور روستاها، ۱۳۵۲، ص ۱۵۵-۱۵۹).

با اجرای این اصول، تعاونی تلفیقی می‌تواند به هدف‌های خود برسد.

تحلیل سود بر اساس روایت‌های «ریح المؤمن ربا»

در مطالب پیشین، آثار تعلق سود خالص اقتصادی به سرمایه، نوع نگاه صاحب‌نظران اقتصادی و اجتماعی و نیز مکتب‌های اقتصادی به آن و نیز الگوهایی که مانع تعلق سود خالص اقتصادی به سرمایه می‌شوند، بیان شد؛ اما بر اساس آموزه‌های اسلامی، سود چه حکمی دارد؟ آیا الگوی تعاونی تلفیقی که سود خالص اقتصادی را بین همه نیروهای کار بر اساس میزان نقشی که در تولید آن دارند، توزیع می‌کند، اشکال دارد؟

برای روشن‌شدن دیدگاه اسلام نسبت به سود و الگوهایی که سود خالص اقتصادی را بین نیروهای کار توزیع می‌کند، ابتدا روایت‌های مربوط به ربح و سود بررسی می‌شود، آن‌گاه به پرسش‌های پیش‌گفته پاسخ داده می‌شود.

۱. «أَحْمَدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيُّ فِي الْمَحَاسِنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ فُرَاتِ بْنِ أَحْنَفَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: رِبْحُ الْمُؤْمِنِ عَلَى الْمُؤْمِنِ رَبًّا» (حرر عاملی، ۱۲۸۸ق، ج ۱۷،

ص ۳۹۶).

سود گرفتن مؤمن از مؤمن دیگر ربا شمرده می‌شود.

۲. «فِي عِقَابِ الْأَعْمَالِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي الْقَاسِمِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ الْكُوفِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانَ عَنْ فِرَاتِ بْنِ الْأَخْفِ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ﷺ: رِبْحُ الْمُؤْمِنِ رَبًّا» (همان، ص ۳۹۸).

سود گرفتن از مؤمن ربا شمرده می‌شود.

این دو روایت در گرفتن سود مؤمن از مؤمن دیگر از جهت میزان سود، مقدار مورد معامله و نیز خرید کالا برای تجارت یا مصرف شخصی اطلاق دارد. اطلاق دارند که با روایت دیگری مقید می‌شوند.

۳. «مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَزِيْعٍ عَنْ صَالِحِ بْنِ عَقْبَةَ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ صَالِحٍ وَ أَبِي شَيْبَةَ جَمِيعاً عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ قَالَ رِبْحُ الْمُؤْمِنِ عَلَى الْمُؤْمِنِ رَبًّا إِلَّا أَنْ يَشْتَرِيَ بِأَكْثَرِ مِنْ مِائَةِ دِرْهَمٍ فَارْبِحْ عَلَيْهِ قُوتَ يَوْمِكَ أَوْ يَشْتَرِيَهُ لِلتَّجَارَةِ فَارْبِحُوا عَلَيْهِمْ وَارْفُقُوا بِهِمْ» (همان، ص ۳۹۶):

سودگرفتن مؤمن از مؤمن دیگر ربا شمرده می‌شود؛ مگر آنکه بیش از صد درهم خرید کند که در این صورت سودی به اندازه قوت روزت را دریافت کن یا اگر برای تجارت کالایی را خرید می‌کند، می‌توانی از آنان سود دریافت کنی اما با آنان رفق و مدارا کن.

ظاهر این روایت‌ها با روایت دیگری که از امام صادق علیه السلام است، ناسازگار می‌شوند. راوی از امام صادق علیه السلام مقصود از اطلاق روایت را می‌پرسد و حضرت علیه السلام به وی پاسخ می‌فرماید که در ادامه، پرسش و پاسخ امام علیه السلام بیان می‌شود:

۴. «مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ أَبِي الْحُسَيْنِ مُحَمَّدِ بْنِ جَعْفَرِ الْأَسَدِيِّ عَنْ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ التَّمَعِيِّ عَنْ عَمِّهِ الْحُسَيْنِ بْنِ يَزِيدَ النَّوْفَلِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِيهِ فِي حَدِيثٍ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ﷺ عَنِ الْخَبْرِ الَّذِي رَوَى أَنْ رِبْحَ الْمُؤْمِنِ عَلَى الْمُؤْمِنِ رَبًّا مَا هُوَ؟ فَقَالَ ذَاكَ إِذَا ظَهَرَ الْحَقُّ وَ قَامَ قَائِمُنَا أَهْلُ الْبَيْتِ فَأَمَّا الْيَوْمَ فَلَا بَأْسَ بِأَنْ تَبِيعَ مِنَ الْأَخِ الْمُؤْمِنِ وَ تَرِبِحَ عَلَيْهِ» (حرّ عاملی، ۱۲۸۸ق، ص ۳۹۷):

راوی گفت: از امام صادق علیه السلام پرسیدم مقصود از خبری که به این صورت روایت شده «ربح المؤمن علی المؤمن ربا» چیست؟ امام علیه السلام فرمود: آن حکم مربوط به زمانی است که حق ظهور کند و قائم ما از اهل بیت علیهم السلام قیام کند؛ اما اکنون اشکالی ندارد که تو به برادرت کالا بفروشی و از وی سود دریافت کنی.

تحلیل روایت‌ها

این دسته روایت‌ها نیازمند تحلیل محتوا و سند هستند که در ادامه بیان می‌شود.

تحلیل سندی

دو روایت نخست که مطلق هستند، هر دو از نظر سند ضعیف هستند؛ چون فرات‌بن/حنف که در هر دو روایت آمده است، شیخ طوسی رحمته‌الله در رجال خود و نیز ابن‌الغضائری وی را اهل غلو و کذاب معرفی می‌کنند (سبحانی و ترابی، ۱۳۸۹، ص ۳۵۸). همان‌طور که محمدبن‌علی‌الکوفی در در روایت دوم فاسد الاعتقاد و اهل غلو معرفی شده است (همان، ص ۴۳۳)؛ اما الفاظ هر دو روایت در روایت سوم و چهارم ذکر شده و قید خورده است؛ بنابراین روایت اول و دوم اگر هم در منابع روایی وارد نشده بودند، خللی در استفاده حکم از روایت سوم و چهارم پدید نمی‌آید؛ اما سند روایت سوم صحیح است. روایت چهارم به جهت وجود علی‌بن‌سالم، ضعیف و غیر قابل استناد است؛ چون علی‌بن‌سالم، واقفی مذهب و ابن‌الغضائری و علامه وی را تضعیف کرده‌اند (همان، ص ۳۰۳). حتی اگر فساد مذهب و نیز تضعیف علامه و ابن‌الغضائری را مورد اعتنا ندانیم، باز هم در مقام تعارض، روایت سوم نسبت به روایت چهارم قوت و رجحان سندی پیدا می‌کند و بر روایت چهارم مقدم می‌شود؛ پس تحلیل محتوا روی روایت سوم انجام می‌شود و از روایت‌های دیگر فقط به عنوان مؤید می‌توان استفاده کرد.

تحلیل محتوایی

در دو روایت اول امام رحمته‌الله به‌طور مطلق فرمود که اگر مؤمنی از مؤمن دیگری در معامله‌ای سودی دریافت کند، مصداق رباست. وقتی مصداق ربا باشد، به‌طور حتم حکم آن به تبع تحقق موضوع بر این فعل مترتب می‌شود؛ چون تحقق موضوع حکمی نسبت به خود آن حکم، در حکم علت است برای آن حکم. این دو روایت نسبت به میزان خرید مشتری و نیز نسبت به اینکه برای مصرف بخرد یا برای تجارت اطلاق دارند؛ اما اطلاق دو روایت اول به وسیله روایت سوم که از امام صادق رحمته‌الله می‌باشد تقیید شده است. از ظاهر روایت سوم استفاده می‌شود که امام صادق رحمته‌الله اطلاق دو روایت اول را مقید می‌کند به اینکه اگر مؤمنی بیش از صد درهم بخرد، می‌توان از وی سودی به اندازه قوت روز گرفت. در ادامه

روایت آمده است که اگر برای تجارت بخرد، می‌توان از خریدار سود گرفت، چه به میزان کمتر یا بیشتر از صد درهم باشد. در این صورت با رعایت رفق و مدارا می‌توان از وی سود گرفت.

بنابراین می‌توان از این روایت به این نتیجه رسید که مؤمن در معامله با مؤمن دیگر با دو قید می‌تواند سود بگیرد و این سود مصداق ربا نیست:

۱. خرید برای مصرف شخصی باشد و میزان خرید بیش از صد درهم باشد. در این صورت فروشنده می‌تواند از وی به میزان قوت آن روز خود از خریدار سود بگیرد.
۲. خرید برای مصرف شخصی نباشد بلکه خریدار کالا را می‌خرد تا آن را به دیگران بفروشد و از فروش خود سود ببرد که در این صورت با رعایت رفق و مدارا دریافت سود مصداق ربا نیست.

پرسش: مطابق با نتیجه اول، اگر هیچ‌کس از یک از خریداران بیش از صد درهم خرید نکند اما فروشنده بیش از صد درهم به چند مشتری فروخته باشد، آیا در این صورت می‌تواند سود دریافت کند؟

از ظاهر روایت برمی‌آید که نمی‌تواند سودی حتی به اندازه قوت روزش را بگیرد. در این صورت برای تأمین قوت روزش با مشکل روبه‌رو می‌شود. در ظاهرا به جهت این مطلب، صاحب جواهر^ع ادعا می‌کند که مقصود از ظاهر روایت آن است که اگر کمتر از صد درهم معامله کند می‌تواند قوت همان روز را دریافت کند؛ البته این مقدار سود را نیز باید از مجموع خریدهایی که همه مؤمنان انجام می‌دهند، دریافت کند؛ اما اگر بیش از صد درهم خرید کند یا برای تجارت بخرد، دریافت سود از برادر مؤمن با رعایت رفق و مدارا مانعی ندارد (نجفی، ۱۳۷۴، ج ۲۲، ص ۴۵۵).

به نظر می‌رسد برداشت صاحب جواهر^ع خلاف ظاهر روایت باشد اما امری معقول است؛ چون مطابق با ظاهر روایت اگر کسی یک روز همه مشتریانش کمتر از صد درهم خرید کنند نباید حتی به اندازه قوت همان روز هم سود دریافت کند؛ در حالی که در این صورت فروشنده برای تأمین مخارج زندگیش ممکن است دچار مشکل شود.

در روایت چهارم امام صادق^ع گرفتن سود از برادر مؤمن را به عصر ظهور امام عصر^ع مختص می‌دانند و در پایان روایت به صورت مطلق تصریح می‌کنند که در زمان

غیبت آن حضرت علیه السلام دریافت سود اشکالی ندارد؛ بنابراین بخش پایانی این روایت که می‌فرماید در زمان غیبت امام زمان علیه السلام دریافت سود اشکالی ندارد با روایت‌هایی که پیش‌تر بیان شد، ناسازگار است.

اما این دسته روایت‌ها را برای زمان پیش از ظهور می‌توان چنین جمع کرد: در زمان غیبت گرفتن سود از برادر مؤمن مکروه است اما در زمان ظهور امام علیه السلام مصداق ریاست. این نوع جمع از ظاهر گفتار برخی فقیهان از جمله صاحب **جواهر** رحمه الله نیز آشکار است که گرفتن سود را از مشتری مؤمن برای معامله‌های کمتر از صد درهم یا برای غیر تجارت خریداری کند، مکروه می‌دانند (نجفی، ۱۳۷۴، ص ۴۵۵).

حتی اگر روایت ضعیف چهارم هم نبود، قواعد عامه فقهی مانند «الناس مسلطون علی اموالهم» دلالت دارند که مؤمنان حق دارند اموال خود را که کمتر از صد درهم باشد، بفروشند و از دیگر برادران مؤمن خود سود دریافت کنند اما چنین سودی با دو شرط پیش‌گفته مکروه است.

در ادامه برای فهم دقیق‌تر روایت‌ها نکته‌ها و پرسش‌هایی بیان و پاسخ همراه با توضیح‌های لازم ارایه می‌شود:

الف) بر اساس آموزه‌های اسلامی در برخی شرایط در فعالیت اقتصادی به دنبال سود خالص اقتصادی بودن، مستحب بلکه واجب است. از جمله اینکه انسان برای تأمین نیازهای حد کفاف یا ضروری خود و افراد واجب‌النفعه‌اش نیازمند به فعالیت اقتصادی و معامله باشد. در این صورت بر وی واجب خواهد بود که به تجارت پردازد و سود دریافت کند تا امکان عمل به واجبات خود را فراهم کند یا بر اساس برخی روایت‌ها توسعه و گشایش بر افراد واجب‌النفعه مستحب است. همان‌طور که امام صادق علیه السلام به خدمتکار خود (مصادف) فرمود: «افراد تحت تکفل من زیاد شدند و هزار دینار در اختیار وی قرار داد و فرمود با کاروان تجاری به قصد تجارت به مصر برو» (حرّ عاملی، ۱۲۸۸ق، ج ۱۷، ح ۱، ص ۴۲۲). نظر امام در این روایت به آن است که مصادف با این هزار دینار تجارت کند، سود ببرد و آن را تحویل امام دهد؛ بنابراین روایت‌های پیشین ناظر به شرایط خاصی است.

ب) امام علیه السلام فقط نمی‌خواهند بفرمایند که گرفتن سود از مؤمن «مازاد» است بلکه در مقام بیان حکم فقهی چنین رفتاری است. به همین علت وقتی راوی در روایت چهارم با

نگرانی و تعجب از امام صادق علیه السلام درباره مقصود امام از ربا را می‌پرسد، پاسخ امام علیه السلام نشان می‌دهد که در صدد بیان حکم فقهی چنین رفتاری است؛ اما ربا به لحاظ موضوع به دو نوع تقسیم می‌شود: ۱. ربای قرضی؛ ۲. ربای معاملی. آنچه در این روایت‌ها آمده است هیچ‌کدام از این دو نوع نیست؛ بنابراین امام می‌فرماید حکم چنین رفتاری، حکم ربا را دارد؛ البته چنانکه بیان شد و در ادامه نیز خواهد آمد، این حکم دست‌کم برای عصر غیبت، حکم اخلاقی کراهتی است.

ج) آیا این روایت‌ها به سود خالص اشاره دارند یا به مطلق سود؟

به نظر می‌رسد که منظور روایت‌ها از سود، سودی است که مردم و عرف عام در معامله‌ها به آن سود می‌گویند؛ پس آن مقداری که به حسب فهم عرفی سود شمرده می‌شود، مقصود روایت‌هاست؛ یعنی فروشنده کالا اگر بیش از هزینه‌های حسابداری از مشتری مؤمن مبلغی دریافت کند، سود شمرده می‌شود؛ بنابراین اگر بیش از تمام هزینه‌ها از جمله هزینه فرصت، مبلغی به عنوان سود دریافت کند به طریق اولیٰ مصداق سود منظور در روایت‌هاست؛ به عبارت دیگر، سود خالص اقتصادی مصداق اکمل این روایت‌هاست.

د) ممکن است اشکال شود که اگر گرفتن سود در روابط اقتصادی حذف شود، افراد برای تأمین مخارج زندگی خود با مشکل روبه‌رو می‌شوند و انگیزه فعالیت‌های اقتصادی کاهش پیدا می‌کند. در این صورت ممکن است اقتصاد با رکود روبه‌رو شود. در پاسخ به این اشکال می‌توان گفت:

۱. این روایت‌ها به فروش کمتر از صد درهم ناظر است؛ بنابراین اگر فروشنده بیش از صد درهم کالا بفروشد، می‌تواند از خریدار سود دریافت کند. پاسخ این اشکال با توجه به توجیه صاحب جواهر علیه السلام درباره مقصود از صد درهم در روایت‌ها، روشن‌تر است؛ بنابراین سرمایه‌های بزرگ در اقتصاد روال معمولی خود را دارند و باعث رشد و شکوفایی اقتصاد می‌شوند.

۲. اگر بتوانیم نظامی طراحی کنیم که سود خالص اقتصادی متعلق به سرمایه را از روابط اقتصادی حذف کند، در عین حال منافع اقتصادی همه فعالان اقتصادی تأمین شود، نیازهای مادی زندگی آنان برطرف شود و سود خالص اقتصادی به فعالان حقیقی اقتصادی بر اساس میزان نقشی که در تولید آن دارند، پرداخت شود، امری مطلوب است؛ چون در این

نظام فعالان اقتصادی به صورت واقعی مشارکت در سودزبان دارند و همه آنان به صورت مشاعی تام، مالک منابع و محصول تولیدی هستند. توزیع ثروت و دارایی در چارچوب موازین شرعی به صورت عادلانه و متناسب توزیع می‌شود و شکاف‌های ثروت و درآمدی کاهش می‌یابد و فقر از بین می‌رود.

۳. در هر چهار روایت قید مؤمن آمده است. معلوم است که این قید بسیاری از معامله‌ها را از دایره این حکم خارج می‌کند؛ چون حکم اخلاقی کراهت چنین معامله‌ای اختصاص به معامله مؤمن از مؤمن دیگر دارد اما اگر مؤمن با غیرمؤمن معامله کند، گرفتن سود بلامانع است.

ه) در آموزه‌های اسلامی برای حذف سود خالص اقتصادی متعلق به سرمایه - مصداق اکمل روایت‌ها - از روابط اقتصادی بین مؤمنان هیچ‌گونه الگوی رفتاری خاصی ارایه نشده است بلکه فقط از مؤمنان چنین رفتاری، خواسته شده است؛ بنابراین اگر مؤمنان در روابط اقتصادی خود بر اساس شرایط زمانی و مکانی که در آن قرار دارند، هر گونه الگوی رفتاری را در چارچوب ضوابط اسلامی و در سطح کلان به عنوان بخشی از نظام اقتصادی اسلام به کار گیرند تا چنین امری را در روابط اقتصادی خود محقق سازند، امری پسندیده و به این توصیه مهم اخلاقی عمل شده است و وظیفه برادری، دینی و اخلاقی خود را انجام داده‌اند و در عرصه کلان اقتصادی می‌توانند از آثار منفی شدید سود خالص اقتصادی به سرمایه جلوگیری کنند. پیش‌تر بیان شد که تعاونی تلفیقی یکی از الگوهایی است که می‌تواند در چارچوب موازین اسلامی سود خالص اقتصادی متعلق به سرمایه را حذف کند و این سود بین نیروهای فعال حقیقی اقتصادی بر اساس ضوابط اسلامی توزیع شود.

و) به نظر می‌رسد منظور از صد درهم در روایت‌های پیشین به سطح زندگی مردم آن عصر ناظر باشد؛ بنابراین در تطبیق آن با عصر حاضر باید سطح زندگی مردم و نیز ارزش و قدرت خرید صد درهم را مورد ملاحظه قرار داد که از چارچوب نوشتار پیش رو خارج و به نوشتار دیگری نیاز است.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

سود خالص اقتصادی امر نامطلوبی نیست، اما مطلب اصلی این است که اگر فعالیت اقتصادی سود خالص اقتصادی داشته باشد، این سود خالص اقتصادی چگونه توزیع شود و به کدام عامل تولیدی اقتصادی اختصاص پیدا کند تا شکاف ثروت و درآمد جامعه تشدید نشود و در نتیجه فقر در جامعه نهادینه نشود؛ بلکه توزیع سود خالص اقتصادی اگر پدید بیاید، به‌گونه‌ای توزیع شود تا شکاف سبب کاهش شکاف ثروت و درآمدی جامعه شود و در نتیجه سبب کاهش فقر شود. الگوی اقتصاد تعاونی تلفیقی مطابق با آموزه‌های اسلامی، الگویی است که می‌تواند سود خالص اقتصادی داشته باشد و این سود خالص اقتصادی را به‌گونه‌ای توزیع کند تا شکاف ثروت و درآمد کاهش پیدا کند و به دنبال آن فقر را کاهش دهد و سبب تحقق عدالت اقتصادی شود. در این الگو سرمایه سود متناسب خود را دریافت می‌کند؛ اما سود خالص اقتصادی به سرمایه متعلق نمی‌شود، بلکه بین نیروهای فعال حقیقی که در تولید آن نقش دارند، به تناسب تأثیرشان در تولید آن، توزیع می‌شود. به این وسیله، آثار و پیامدهای مخربی که از ناحیه تعلق سود خالص اقتصادی به سرمایه پدید می‌آید در این الگو وجود ندارد و از سوی دیگر باعث تحقق عدالت اقتصادی و ریشه‌کن کردن فقر را در پی دارد. این الگو می‌تواند یک الگوی مناسب بر اساس روایت‌هایی باشد که گرفتن سود مؤمن از برادر مؤمن را مکروه می‌داند.

منابع و مأخذ

- * قرآن کریم.
 ** نهج البلاغه؛ (گردآوری شریف الرضی)؛ ترجمه جعفر شهیدی؛ ج ۴، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۸.
 ۱. انصاری، حمید؛ مبانی تعاون؛ ج ۱، تهران: دانشگاه پیام نور، ۱۳۸۳.
 ۲. بدن، لویی؛ تاریخ عقاید اقتصادی؛ ترجمه هوشنگ نهاوندی؛ ج ۲، تهران: انتشارات مروارید، ۱۳۵۴.
 ۳. بکن، هنری؛ تصورات بنیانی از تعاون واقعی؛ ترجمه سازمان مرکزی تعاون کشور؛ ج ۱، تهران: سازمان مرکزی تعاون کشور، ۱۳۸۶.

۴. بوزان، باری؛ مردم، دولت‌ها و هراس؛ چ ۱، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۷۸.
۵. یوگاردوس، اموری؛ تعاون و اصول اولیه آن؛ ترجمه وزارت تعاون و امور روستاها؛ تهران: انتشارات وزارت تعاون، ۱۳۵۲.
۶. بیو، والدن؛ پیروزی سیاه؛ ترجمه احمد سیف و کاظم فرهادی؛ تهران: انتشارات نقش جهان، ۱۳۷۶.
۷. تفضلی، فریدون؛ تاریخ عقاید اقتصادی - از افلاطون تا دوره معاصر-؛ چ ۲، تهران: نشر نی، ۱۳۷۵.
۸. حرّ عاملی، شیخ محمدبن حسن؛ وسایل الشیعه؛ بیروت: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام لاهیا، التراث، ۱۴۱۳ق.
۹. راسل، برتراند؛ جهانی که من می‌شناسم؛ ترجمه روح‌الله عباسی؛ چ ۱، تهران: انتشارات جیبی، ۱۳۵۷.
۱۰. رنانی، محسن؛ بازار یا نابازار؛ چ ۱، تهران: سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۶.
۱۱. ژید، شارل و شارل ریست؛ تاریخ عقاید اقتصادی؛ ترجمه کریم سنجابی؛ چ ۱، تهران: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۰.
۱۲. سبحانی، جعفر و علی‌اکبر ترابی؛ الموسوعه الرجالیه المیسره (معجم الرجال الوسائل)؛ چ ۳، قم: انتشارات مؤسسه امام صادق علیه‌السلام، ۱۳۸۹.
۱۳. سی بی مک، فرسون؛ جهان حقیقی دموکراسی؛ ترجمه مجید مددی؛ چ ۱، تهران: نشر البرز، ۱۳۶۹.
۱۴. طالب، مهدی؛ اصول و اندیشه‌های تعاونی؛ چ ۱، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۶.
۱۵. عبادی، جعفر؛ مباحثی در اقتصاد خرد؛ چ ۲؛ تهران: انتشارات سمت، ۱۳۷۲.
۱۶. قدیری‌اصلی، باقر؛ سیر اندیشه‌های اقتصادی؛ چ ۸، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۸.
۱۷. کلینی، محمدبن یعقوب؛ الاصول من الکافی، تعلیق علی‌اکبر الغفاری، چ ۴، تهران: ناشر دارالکتب الاسلامیه، بی‌تا.

۱۸. مجلسی، مجمدباقر؛ بحار الانوار؛ ج ۳، تهران: انتشارات اسلامیه، ۱۳۷۴.
۱۹. مدنی، علی‌اکبر؛ تعاونی راهی به جامعه سالم؛ ج ۱، تهران: انتشارات وزارت تعاون، ۱۳۷۲.
۲۰. مکارم شیرازی، ناصر؛ القواعد الفقهیه؛ ج ۱، قم: مدرسه الامام امیرالمؤمنین علیه السلام، ۱۳۷۰.
۲۱. موسوی خمینی، روح‌الله؛ تحریر الوسیله؛ ج ۱؛ تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، ۱۳۷۹.
۲۲. نجفی، محمدحسن؛ جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام؛ ج ۱۰، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴.
۲۳. نمازی، حسین؛ نظام‌های اقتصادی؛ ج ۱، تهران: انتشارات شرکت سهامی انتشار، [بی تا].
۲۴. واریان، هال؛ تحلیل اقتصادی خرد؛ ترجمه رضا حسینی؛ ج ۱، تهران: نشر نی، ۱۳۷۸.
۲۵. وزارت تعاون و امور روستاها؛ مجموعه گفتارهای تعاونی؛ تهران: انتشارات وزارت تعاون و امور روستاها. ۱۳۵۲.

26. Gordon, David, **Eradicating Poverty in the 21st Century: When will Social Justice be done?**
27. Milanovic. **True World Income Distribution, 1988 and 1993: First Calculation Based on Household Surveys Alone.**”
Economic Journal 112 (476), 2002.
28. Schnitzer. M; **comparative economic systems; western college publishing Thomson learning, edition 8, 1999.**